

مشارکت سازمانی برای تقویت مهارت‌های کارآفرینانه:

ارائه راهبردهای مناسب در شناسایی و هدایت استعدادهای دانش‌آموزان

جواد خمسه^۱

محمد جواد صالحی^۲

محمد عزیزی^۳

چکیده

هدف کلی تحقیق ارائه راهبردهای مناسب در شناسایی و هدایت استعدادهای دانش‌آموزان بر اساس مشارکت سازمانی برای تقویت مهارت‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان می‌باشد. پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با رویکرد پدیدارشناسی و روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انجام شد. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختار یافته بود جهت اطمینان از روایی پژوهش، محقق از روش‌های بررسی توسط اعضاء، مثلث‌سازی منابع داده‌ها و بازبینی توسط همکاران استفاده شده است. به‌علاوه در تحقیق کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی پژوهش استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۴ خبره در زمینه مهارت‌آموزی و آموزش و پرورش کارآفرینانه بودند. جهت تحلیل داده‌های کیفی از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد با سه مرحله کد گذاری، با استفاده از نرم افزار MAXQDA2020 استفاده شده است. نتایج نشان داد که همسویی و مشارکت نهادی در شناسایی و هدایت استعدادهای دانش‌آموزان مؤثر است. بر این اساس چالش‌های موجود در همکاری و مشارکت بهینه آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه‌ای کشور شناسایی شد و راهبرد‌های مناسب بر اساس شناسایی نقاط قوت و نقاط قابل بهبود در سازمان ارائه شده است. در پایان پژوهش نیز، پیشنهاد‌های کاربردی ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مهارت‌های کارآفرینانه، مشارکت سازمانی، شناسایی و هدایت استعداد

کارآفرینانه، سازمان فنی و حرفه‌ای کشور، سازمان آموزش و پرورش

^۱. دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۲. عضو هیات علمی دانشگاه تهران، دانشکده اقتصاد، تهران، ایران

^۳. عضو هیات علمی دانشگاه تهران، دانشکده کارآفرینی، تهران، ایران

Organizational participation in strengthening entrepreneurial skills:
Presentation of appropriate strategies in identifying and guiding students'
talents.

The main objective of the research is to provide appropriate strategies for identifying and guiding students' talents based on organizational participation to enhance students' entrepreneurial skills. This qualitative study employed a phenomenological approach and grounded theory methodology. using semi-structured interviews as the data collection tool. To ensure the validity of the research, the researcher employed methods such as member checking, data source triangulation, and peer review to determine the study's validity. Additionally, the study utilized test-retest reliability and inter-rater agreement methods to assess the reliability of the conducted interviews.

The participants included 14 experts in the fields of skill development and entrepreneurial education. For qualitative data analysis, the grounded theory methodology was conducted using a three-stage coding process with MAXQDA2020 software. The results indicated that institutional alignment and participation are effective in identifying and guiding students' talents. Accordingly, the challenges in optimizing collaboration between the education system and the Technical and Vocational Organization of the country were identified, and suitable strategies were proposed based on the strengths and areas for improvement within the organization. Finally, practical recommendations were provided at the end of the research.

Keywords: Entrepreneurial skills, Organizational participation, Identification and guidance of entrepreneurial talents, National Technical and Vocational Organization, Ministry of Education.

مقدمه

در سال‌های اخیر، با توجه به پتانسیل‌های موجود در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و در راستای پرداختن به چالش‌های بهره‌وری و برابری، اهداف جدیدی در سطح جهانی مدنظر قرار گرفته است. این اهداف می‌توانند نقش مهمی در توسعه مهارت‌های ضروری بازار کار ایفا کنند. آموزش فنی و حرفه‌ای ابزاری حیاتی برای ایجاد اشتغال مولد و دستیابی به توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این نوع آموزش می‌تواند موجب افزایش بهره‌وری و کاهش فقر و بیکاری در جوامع مختلف شود (حسینی‌نیا و بختیاری، ۱۴۰۲). دنیای بهتر با آموزش نسل آینده و ایجاد ایده‌ها و اکتشافاتی که می‌تواند حال را تغییر دهد، شکل می‌گیرد. بنابراین، سرمایه‌گذاری و مدیریت مؤثر استعدادهای کارآفرینانه می‌تواند به رشد و پیشرفت جوامع کمک کند (چارلز و اوناها^۱، ۲۰۲۰). مهارت‌های کارآفرینی شامل مجموعه مهارت‌های مختلف مانند مهارت فنی، مهارت مفهومی، مهارت ارتباطی و انسانی و عملیاتی می‌باشد. این فرایند نیازمند آموختن از اهل فن و انجام تمرینات علمی و عملی است (باب پوریکار و آکینو، ۲۰۲۰). بنابراین، آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش و پرورش باید به عنوان نهادهایی مؤثر در فرایند کارآفرینی وارد عرصه شوند. این امر مستلزم تغییر در طرز فکر، اصول مدیریت و اداره این سازمان‌هاست و نیازمند تغییرات ساختاری است تا کشورها بتوانند با اتخاذ تدابیر مناسب، ساختارهای اقتصادی مبتنی بر سیستم‌های آموزشی را ایجاد کنند. تعامل مناسب بین سازمان آموزش و پرورش و سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند مسیر دستیابی به این هدف مهم را هموار سازد. رسالت سازمان فنی و حرفه‌ای، آموزش مهارتی و فنی است که شامل یادگیری رسمی و غیررسمی می‌شود و می‌تواند افراد را با اطلاعات و مهارت‌های لازم برای بازار کار آشنا کند. این نوع آموزش به توسعه مهارت‌ها در حوزه‌های مختلف شغلی، تولید، خدمات و سبک زندگی کمک می‌کند و بر توسعه نیروی کار ماهر جدید با توانایی‌های فنی و بین فردی تأثیر مثبت دارد. علاوه بر این، سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای می‌تواند از طریق توسعه مهارت‌های مستمر، نیروی کار ماهر جدید را بهبود بخشد و به مهارت‌آموزانی که قصد دارند تحصیلات عالی را ادامه دهند، بینش کارآفرینانه و اجرایی ارائه دهد. این امر می‌تواند به

^۱. Oga& Onouha

کشورها در بهبود توسعه اقتصادی کمک کند و امکان حضور و رقابت در دنیای جهانی شده را فراهم سازد (بختیاری و خدابخش، ۱۴۰۲). دوتا وهمکاران (۲۰۱۹) نیز در تحقیقی با عنوان «پیامدهای آموزش کارآفرینی در چین: چشم انداز مدیریت تجربه مشتری» مطرح نمودند که؛ اگرچه برای تجارت و توسعه اقتصادی، آموزش کارآفرینی تجارب مختلف مهمی را به مشتریان خود (یعنی دانش آموزان) ارائه کرده است این در حالی است که برخی از مطالعات قبلی نشان می دهد که آموزش کارآفرینی تأثیر مثبتی در نگرش یا فعالیتهای کارآفرینی دارد. در این راستا قوانین، فرآیندها، مواد اولیه، سرمایه و فناوری بسیار مهم و با ارزش هستند. و به کارآفرینان کمک می کند که خلق ارزش کنند (چارلز و اوانها، ۲۰۲۰). با توجه به برنامه اجرایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰-۱۳۹۷)، که مهم ترین تکلیف قانونی وزارت آموزش و پرورش است، و همچنین برنامه های پیش بینی شده برای زیرنظام های آن (کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت)، به نظر می رسد که حرکت رو به رشدی برای شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینی، مشاهده نمی شود. تشکیل کمیته هایی با عناوینی همچون طراحی جذب دانش آموزان مستعد در رشته های مختلف و طرح تعالی مدیریت، به شناسایی استعداد کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش محدود شده و بیشتر به شرکت در جشنواره های دانش آموزی و طرح هایی مانند رشد، شهاب و کاشف ختم می شود. این درحالی است که نگاه آینده نگرانه برای بسترسازی شناسایی استعدادهای نهفته، کمرنگ است.

بنابراین برای رسیدن به این مقصود همکاری و تعامل کلیه ذینفعان لازم است. تحقق پایداری، برنامه ای همه جانبه و تحت تاثیر مشارکت همه ذینفعان (به عنوان نهادها و سازمان ها، دانشگاه ها، آموزش و پرورش، صنایع، دولت و جامعه) می باشد که برای دستیابی به پایداری نمی توان از تغییرات و چالش های مربوط به ذینفعان اجتناب کرد (حسینی نیا و بختیاری، ۱۴۰۲). در راستای این هدف، باید توجه داشت که شناسایی دانش آموزان تیزهوش و با استعداد، هرگز یک علم دقیق نبوده و نمی توان آن را صرفاً به یک معیار عددی که تنها یک جنبه از هوش را می سنجد، محدود کرد. رویکردها و سیاست های متنوعی برای شناسایی این دانش آموزان وجود دارد که به طور مداوم در حال تکامل و تغییر هستند. با این حال، بسیاری از پژوهش ها به

شرایط واقعی زندگی و تحصیل دانش‌آموزان توجه کافی ندارند. در این پژوهش‌ها اغلب به این بسنده می‌شود که اگر به استعدادهای دانش‌آموزان توجه نشود، آن‌ها فرصت شکوفایی و پیشرفت را از دست خواهند داد (هلر و هانی، ۲۰۰۴). بنابراین، برای ایجاد یک سیستم کارآمد و پایدار در شناسایی و پرورش دانش‌آموزان تیزهوش، لازم است با مشارکت تمامی ذینفعان، رویکردی جامع و متناسب با شرایط واقعی جامعه اتخاذ شود. از سوی دیگر، بحث شناسایی و هدایت استعدادهای یا به تعبیری مدیریت استعداد در ایران، مشابه سایر مفاهیم نوین مدیریتی، به دلیل طرح نامناسب موضوع از سوی جامعه دانشگاهی و اجرای ناقص آن، بدون توجه به فراهم کردن زیرساخت‌ها، تأثیرگذاری و اثربخشی لازم را در سازمان‌ها ندارد. در حالی که سال‌هاست مسئله فرار مغزها در کشور ما مطرح است، آمار رسمی داخلی در خصوص این پدیده وجود ندارد (قلی‌پور و افتخار، ۱۳۹۵). به همین دلیل، دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برای کسب موفقیت اقتصادی در عرصه ملی و بین‌المللی، نیاز مبرمی به توسعه کارآفرینی دارند. کارآفرینی به عنوان عامل اصلی تغییر و محرک توسعه، می‌تواند حرکتی را آغاز کند که منجر به خلاقیت و نوآوری مستمر شود (احمدپور داریانی و عزیزی، ۱۳۹۴). بر اساس نظریات اقتصادی و تجربیات کشورهای در حال توسعه، «کارآفرینان» موتور محرک توسعه و رشد اقتصادی محسوب می‌شوند و بالطبع، اشتغال‌زایی یکی از دستاوردهای مهم کارآفرینی است. از زاویه‌ای دیگر، استعدادهای برتر امروز، نخبگان بالقوه آینده جامعه هستند که با شناسایی به موقع و هدایت صحیح، می‌توانند علاوه بر شکوفایی و موفقیت فردی، در بهبود و پیشرفت وضعیت جامعه نیز نقش مؤثری ایفا کنند (مجدر، اصلانی و سلیقه‌دار، ۱۳۹۴). بنابراین، طراحی الگوی شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش ایران می‌تواند به کشف استعدادهای متنوع دانش‌آموزان، به ویژه در حوزه کارآفرینی، کمک کند. این الگو باید متناسب با ویژگی‌های شخصیتی و محیطی دانش‌آموزان باشد و باعث ایجاد تنوع، ترکیب و تلفیق در روش‌ها و الگوهای آموزشی گردد. همچنین، این الگو می‌تواند به ارتقای کیفی فرایندهای شناسایی و آشنایی با روش‌های آموزشی متناسب با نیاز دانش‌آموزان کمک کند. هدف دیگر، بهبود کیفیت خدمات مشاوره‌ای شغلی و تحصیلی به دانش‌آموزان است تا آنها را در مسیر انتخاب رشته‌های مورد علاقه، به ویژه در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای و کار و

دانش، هدایت کند. در نهایت، این فرآیند می‌تواند منجر به بروز استعداد‌های کارآفرینی در میان دانش‌آموزان کشور شود. در مشاوره مسیر شغلی، که نقش افراد را در مرکز نظام توصیف، تبیین و پیش‌بینی خود قرار می‌دهد، تأکید بر منحصر به فرد بودن هر فرد و اهمیت تفاوت‌های فردی به وضوح مشهود است. هرچند در نظریه‌های مختلف مشاوره مسیر، ساختارها و سازه‌های متفاوتی برای تأکید بر تفاوت‌های فردی ارائه شده است، اما هیچ راهبردی در بخش سنجش یا مداخلات بدون توجه به اهمیت این تفاوت‌ها وجود ندارد (مصطفوی و همکاران، ۱۳۹۱).

با وجود چالش‌های فوق‌الذکر، هدف اصلی قابل طرح این پژوهش به ترتیب زیر است:

➤ **مشارکت سازمانی برای تقویت مهارت‌های کارآفرینانه به منظور ارائه راهبردهای**

مناسب در شناسایی و هدایت استعداد‌های دانش‌آموزان

مبانی نظری

با توجه به تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی، نیاز به تقویت مهارت‌های کارآفرینانه از سنین پایین در نظام آموزشی احساس می‌شود. بنابراین مشارکت سازمانی می‌تواند نقش مهمی در شناسایی و هدایت استعداد‌های دانش‌آموزان ایفا کند. این رویکرد برای تقویت مهارت‌های کارآفرینانه در شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینی دانش‌آموزان، یک رویکرد چند وجهی است که نیازمند همکاری تنگاتنگ بین مدارس، سازمان‌های تجاری، نهادهای دولتی و جامعه محلی است. مشارکت سازمانی از طریق ایجاد ارتباطات موثر، به اشتراک گذاشتن منابع و مسئولیت‌ها و ایجاد حس تعلق و مالکیت در بین ذینفعان به تقویت اهداف سازمان کمک می‌کند. در این تحقیق، مشارکت سازمانی به عنوان ابزاری برای شناسایی و هدایت استعداد‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان به کار گرفته می‌شود و شناسایی استعداد کارآفرینی فرآیند تشخیص و شناسایی افرادی است که ویژگی‌ها و مهارت‌های خاصی در زمینه کارآفرینی دارند. این افراد معمولاً از ابتکار عمل، نوآوری و توانایی حل مسائل برخوردارند (جئنا، ۲۰۲۴). در این تحقیق، شناسایی استعداد کارآفرینی به معنای استفاده از ابزارهای ارزیابی (مانند آزمون‌های روان‌شناختی، پرسشنامه‌های کارآفرینی) برای شناسایی دانش‌آموزانی است که ویژگی‌های خاص کارآفرینی از قبیل نوآوری، ریسک‌پذیری و حل مسئله را دارا هستند. مشارکت سازمانی بین آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه‌ای نه تنها موجب تقویت مهارت‌های

کارآفرینانه در دانش آموزان خواهد شد بلکه زمینه ساز شناسایی بهتر استعدادها و رشد اقتصادی جامعه نیز خواهد بود. با ایجاد یک نظام آموزشی یکپارچه که بر اساس نیازهای واقعی جامعه طراحی شده باشد، می‌توانیم نسل جدیدی از کارآفرینان را تربیت کنیم که قادر به پاسخگویی به چالش‌های آینده باشند.

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، توجه به کارآفرینی به عنوان یک عامل کلیدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی افزایش یافته است. تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که آموزش کارآفرینی و مهارت‌های مرتبط با آن می‌تواند به بهبود توانمندی‌های فردی و شغلی دانش‌آموزان کمک کند. برای مثال، دورن-سانچز و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای به بررسی نقشه‌برداری از پوشش علمی در زمینه آموزش کارآفرینی در آموزش عالی پرداخته و نشان می‌دهند که این نوع آموزش می‌تواند به رشد استعدادهای کارآفرینانه کمک کند. از سوی دیگر، اوگا و اونوه (۲۰۲۰) به بررسی مدیریت استعداد کارآفرینی و چابکی سازمانی در شرکت‌های ساختمانی نیجریه پرداخته و اهمیت مدیریت استعدادهای کارآفرینی را در ایجاد انعطاف‌پذیری سازمانی تأکید می‌کنند. باپوریکار و آکینو (۲۰۲۰) نیز بر لزوم سواد مالی به عنوان یک عامل ضروری برای موفقیت کارآفرینی زنان تأکید کرده و به نقش آن در ارتقاء مهارت‌های کارآفرینانه اشاره دارند.

دوآ و همکاران (۲۰۱۹) نتایج آموزش کارآفرینی در چین را از منظر مدیریت تجربه مشتری بررسی کردند و تأثیرات مثبت این آموزش را بر روی نگرش‌ها و فعالیت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان مورد بررسی قرار دادند. همچنین، رانکو و همکاران (۲۰۱۷) به شکاف خلاقیتی بین دانش‌آموزان در مدرسه و خارج از آن اشاره کرده و تأثیر ساختار آموزشی را بر خلاقیت دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌دهند. در بررسی‌های دیگری، داهالن و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی ذهنیت کارآفرینی در دانش‌آموزان مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای مالزی پرداخته و بر اهمیت تربیت کارآفرینان با ذهنیت مناسب تأکید دارند. همچنین، هاریتا و وینود (۲۰۲۰) تأثیر مدیریت استعداد بر توسعه مهارت‌های کارآفرینی را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهند که مدیریت مؤثر استعدادهای کارآفرینی می‌تواند به ارتقاء مهارت‌های کارآفرینانه کمک کند. هتاکیح‌فونگ و تینگ (۲۰۱۹) به اولویت‌بندی مهارت‌های کارآفرینی موفق از دیدگاه کارآفرینان و کارآفرینان

بالقوه می‌پردازند و به تفاوت‌های موجود در انتظارات و نیازهای این دو گروه توجه می‌کنند. همچنین، کودرُف و همکاران (۲۰۱۸) بر توسعه مدیریت نوآوری و کارآفرینی در آموزش عالی قزاقستان تأکید دارند.

میر و همکاران (۲۰۱۸) بر اهمیت آموزش سفارشی به عنوان چارچوبی برای تقویت همکاری بین مؤسسات آموزش عالی و بازیگران منطقه‌ای در توسعه پایدار تأکید می‌کنند. موک و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی جابه‌جایی دانشجویی و چشم‌انداز شغلی برای مهاجران در چین پرداخته و چالش‌های موجود در جذب استعدادها را مورد بررسی قرار می‌دهند.

با توجه به این مطالعات، مشخص است که نیاز به شفافیت در هدف‌گذاری و استراتژی‌های آموزش کارآفرینی وجود دارد. پیشینه تحقیق به خوبی نظریه‌های مرتبط و تحقیقات موجود را بررسی نکرده و جایگاه این مطالعه در حوزه مطالعات کارآفرینی به وضوح مشخص نیست. لذا ضروری است که مطالعات آینده به بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تری در این زمینه پرداخته و نقاط ضعف موجود در ادبیات فعلی را برطرف نمایند.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با رویکرد پدیدارشناسی و روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد انجام شد. جامعه آماری شامل مدیران و خبرگان در حوزه سیاست‌گذاری و کارآفرینی است که اولاً در حوزه آموزش و مهارت‌آموزی دارای دانش، تجربه و فعالیت بوده و ثانیاً در زمینه توسعه کارآفرینی و استعداد کارآفرینانه صاحب‌نظر هستند. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی استفاده شده است. مصاحبه با مشارکت‌کنندگان تا رسیدن به نقطه اشباع نظری ادامه پیدا کرد. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۴ خبره در زمینه مهارت‌آموزی و آموزش و پرورش کارآفرینانه بود. فرایند تحلیل مصاحبه‌ها به صورت سیستماتیک انجام شده و شامل مراحل کدگذاری داده‌ها، شناسایی الگوها و استخراج مضامین کلیدی است. در این راستا، ابتدا داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA2020 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. کدگذاری اولیه شامل شناسایی کدهای اصلی و فرعی بود که پس از آن دسته‌بندی و تحلیل عمیق‌تری انجام شد تا به درک بهتری از مسائل و نیازهای موجود دست یابیم. جهت اطمینان از روایی پژوهش، محقق از روش‌های بررسی توسط اعضا، مثلث‌سازی منابع داده‌ها و بازبینی توسط

همکاران برای تعیین روایی پژوهش خود استفاده کرده است. این اقدامات به تقویت اعتبار و اعتبارسنجی یافته‌ها کمک کرده است. علاوه بر این، در تحقیق کنونی از پایایی بازآزمون و روش توافق درون موضوعی برای محاسبه پایایی مصاحبه‌ها، استفاده گردید. به طور خاص، تحلیل توافق بین کدگذاری‌های مختلف و بازخورد مشارکت‌کنندگان به اعتبار داده‌های جمع‌آوری شده افزوده است.

یافته‌ها

به منظور تحلیل داده‌های کیفی از روش نظریه پردازی داده بنیاد با کد گذاری سه مرحله ای (کد باز، کد محوری و کد گزینشی) بواسطه نرم افزار MAXQDA2020 استفاده شده است. در جدول (۱) کد گذاری مربوط به شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان نشان داده شده است. بر این اساس در شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان، شناسایی استعدادها، تعیین نیازها و اهداف فردی، ارائه آموزش و راهنمایی، تجربه‌های عملی، ارائه بازخورد و ارزیابی مداوم، پایش و پیگیری و تشویق به شرکت در فعالیت‌های کارآفرینی مد نظر می باشد.

جدول شماره ۱. کد گذاری مربوط به شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان

کد گزینشی	کد محوری	کد باز
شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه	شناسایی استعدادها	برگزاری آزمون‌ها و ارزیابی‌های روان‌شناختی برای شناسایی استعدادهای کارآفرینی در دانش‌آموزان قابل اهمیت است. استفاده از مصاحبه‌ها و گفتگوهای فردی برای شناخت عمیق‌تر استعدادهای و علایق کارآفرینانه دانش‌آموزان مهم است.
	تعیین نیازها و اهداف فردی	لازم است برگزاری جلسات مشاوره و هدف‌گذاری با دانش‌آموزان برای تعیین اهداف شخصی و حرفه‌ای در زمینه کارآفرینی در اولویت قرار گیرد. تعیین نیازهای شخصیتی و مهارتی هر دانش‌آموز برای بهترین مسیر کارآفرینی بر اساس استعدادهایش مهم است.

	ارائه آموزش و راهنمایی	لازم است برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های عملی در زمینه مهارت‌های کارآفرینی از جمله ایده‌پردازی، مدیریت زمان، بازاریابی و مهارت‌های ارتباطی در آموزش‌های رسمی گنجانده شود. ارائه راهنمایی و مشاوره فردی توسط متخصصان و کارآفرینان موفق در زمینه‌های مورد نظر دانش‌آموزان نیاز است.
	فرایند عملی	فراهم کردن فرصت‌های کارآموزی و کارورزی در شرکت‌ها و کسب‌وکارهای محلی به منظور کسب تجربه عملی و آشنایی با محیط کارآفرینی در دبیرستان‌ها مد نظر قرار گیرد. ایجاد فرصت‌های برگزاری پروژه‌ها و مسابقات کارآفرینی که به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا ایده‌های خود را در عمل اجرا کرده و تجربه کارآفرینی کسب کنند.
	ارائه بازخورد و ارزیابی مداوم	انجام ارزیابی‌های مداوم بر عملکرد و پیشرفت دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی و ارائه بازخورد سازنده به آن‌ها. ایجاد فرصت‌های برگزاری جلسات ارزیابی و بازخورد با مشارکت دانش‌آموزان، اولیا و مربیان برای بهبود فرآیندهای هدایت استعدادها و کارآفرینی.
	پیشرفت و ارزیابی	ایجاد فرآیند پایش و ارزیابی مداوم برای بررسی عملکرد و پیشرفت دانش‌آموزان و دانشجویان در مسیر کارآفرینی و ارائه بازخورد سازنده برای بهبود هر چه بیشتر فرآیند هدایت مد نظر قرار گیرد.
	در فعالیت‌های شرکتی	تشویق دانش‌آموزان و دانشجویان به شرکت در فعالیت‌های کارآفرینی .

در ادامه و در جدول شماره ۲، کد گذاری مربوط به همسویی نهادی (سازمان آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه ای کشور) نشان داده شده است. در این راستا تدوین برنامه‌های مشترک، تبادل اطلاعات و دانش، برگزاری کارگاه‌ها و آموزش‌های مشترک، هماهنگی در برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت، توسعه شبکه همکاری، انجام پژوهش‌های مشترک، ارتباط با صنعت و بازار کار و ارزیابی و ارائه بازخورد؛ مد نظر قرار گرفته است.

جدول شماره ۲. کد گذاری مربوط به همسویی نهادی

کد گزینشی	کد محوری	کد باز
مشارکت سازمانی	برنامه‌های تدوین	ایجاد برنامه‌ها و طرح‌های مشترک بین دو سازمان برای توسعه مهارت‌های فنی و حرفه‌ای دانش‌آموزان.
	تبادل دانش و اطلاعات	تسهیل در تبادل اطلاعات، تجارب و دانش بین دو سازمان به منظور بهبود برنامه‌ها و کارآموزی‌های فنی و حرفه‌ای.
	برگزاری کارگاه‌ها و آموزش‌های	برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌های آموزشی و کنفرانس‌های مشترک برای ارتقاء کیفیت آموزش فنی و حرفه‌ای.
	برنامه‌ریزی تعلیم و هماهنگی در	هماهنگی و همکاری در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های تعلیم و تربیت فنی و حرفه‌ای برای دانش‌آموزان و مهارت‌آموزان.
	توسعه شبکه همکاری	ایجاد و توسعه شبکه‌های همکاری بین مدارس فنی و حرفه‌ای و مدارس عمومی به منظور ارتقاء انتقال دانش و تجربیات.
	پژوهش‌های انجام	همکاری در انجام پژوهش‌های مشترک برای توسعه راهکارها و فناوری‌های نوین در حوزه فنی و حرفه‌ای.
	ارتباط با صنعت و بازار	برقراری ارتباط و همکاری با صنعت و بازار کار به منظور اطمینان از اینکه برنامه‌های آموزشی و تربیتی مطابق با نیازهای بازار کار هستند.

ارزیابی و ارائه بازخورد	انجام ارزیابی‌های مداوم و ارائه بازخورد به دو سازمان در مورد اثربخشی برنامه‌ها و طرح‌های مشترک.
-------------------------	---

در جدول شماره (۳) کد گذاری مربوط به نقاط قوت همسویی و مشارکت سازمانی در راستای شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان ارائه شده است. در این راستا عواملی چون «منابع انسانی متخصص، تجربه و تاریخچه همکاری، نیازمندی‌های مشترک، تعهد مدیریت بالا» مشخص گردید.

جدول شماره ۳. کد گذاری مربوط به نقاط قوت

کد گزینشی	کد محوری	کد باز
نقاط قوت	منابع انسانی متخصص	وجود کادر متخصص و مجرب در هر دو سازمان که می‌توانند بهبود همکاری و توسعه برنامه‌های مشترک را پشتیبانی کنند.
	تاریخچه و تجربه همکاری	برخورداری از تجربه‌های قبلی همکاری بین دو سازمان که می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای بهبود روند همکاری در آینده مورد استفاده قرار گیرد.
	نیازمندی‌های مشترک	وجود تطابق در نیازمندی‌ها و اهداف دو سازمان که می‌تواند انگیزه‌بخش برای همکاری بیشتر باشد.
	تعهد مدیریت بالا	تعهد و پشتیبانی مدیران بالا در هر دو سازمان برای بهبود و توسعه همکاری میان آنها.

در جدول شماره ۴، نقاط قابل بهبود در مشارکت و همسویی بین سازمان فنی و حرفه ای کشور و سازمان آموزش و پرورش مشخص شده است که مشتمل بر «کمبود ارتباط و هماهنگی، عدم تفهیم وظایف و مسئولیت‌ها، محدودیت‌های مالی و منابع، تشکیل گروه‌های کاری مشترک، توسعه منابع آموزشی مشترک، برنامه‌ریزی مشترک فعالیت‌های آموزشی» می باشد.

جدول شماره ۴. کد گذاری مربوط به نقاط قابل بهبود

کد گزینشی	کد محوری	کد باز
نقاط قابل بهبود	همانگی ارتباط و کمبود	کمبود ارتباط و همانگی میان دو سازمان که می‌تواند به تداخل در برنامه‌ها و اهداف منجر شود.
	مسئولیت‌ها وظایف و عدم تفهیم	عدم تعیین دقیق وظایف و مسئولیت‌های هر سازمان در همکاری که می‌تواند به عدم شفافیت و عملکرد کمبود برای توسعه همکاری منجر شود.
	منابع مالی و محدودیت‌ها	محدودیت‌های مالی و منابع در هر دو سازمان که می‌تواند مانع از پیشرفت و توسعه همکاری مشترک شود.
	کاری مشترک گروه‌های تشکیل	تشکیل گروه‌های کاری مشترک بین اعضای دو سازمان با هدف ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان.
	توسعه منابع آموزشی مشترک	توسعه و ارتقاء منابع آموزشی مشترک بین دو سازمان مانند کتاب‌ها، مقالات، ویدئوها و محتوای آموزشی متنوع در زمینه کارآفرینی.
	فعالیت‌های آموزشی برنامه‌ریزی مشترک	برنامه‌ریزی و همانگی مشترک بین دو سازمان برای ارائه فعالیت‌های آموزشی متنوع و توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان.

در جدول ۵، چالشهای مشارکت و همسویی سازمانی به منظور شناسایی و هدایت کارآفرینانه دانش‌آموزان مشخص شده است. بدین منظور محورها «تفاوت در رویکرد و اهداف، محدودیت‌های مالی و منابع، تداخل در برنامه‌ها و سیاست‌ها، کمبود همانگی و ارتباط، مقاومت در برابر تغییر» مشخص گردید.

جدول شماره ۵. کد گذاری مربوط به چالشها

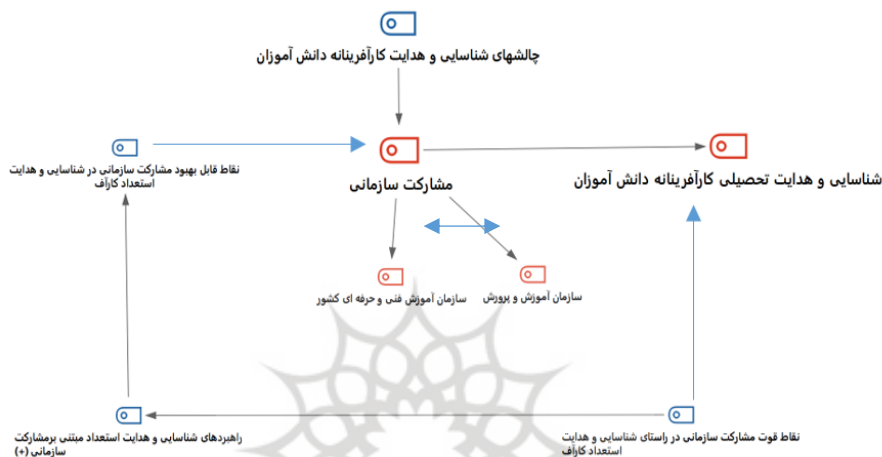
کد گزینشی	کد محوری	کد باز
۱۰ چالشها	تفاوت در رویکرد و اهداف	سازمان فنی و حرفه‌ای و نظام آموزش و پرورش اهداف متفاوتی دارند. برای مثال، سازمان فنی و حرفه‌ای بیشتر تمرکز خود را بر توسعه مهارت‌های عملی و فنی دانش‌آموزان قرار می‌دهد، در حالی که نظام آموزش و پرورش به تقویت مهارت‌های عمومی و تحصیلی می‌پردازد. این تفاوت ممکن است باعث اختلاف در رویکردها و اهداف برنامه‌های کارآفرینی شود.
	مالی و منابع محدودیت‌های	کمبود منابع مالی و نیروی انسانی می‌تواند چالش برانگیز باشد، زیرا برای ارائه برنامه‌های کارآفرینی کیفیت بالا و موثر، نیاز به سرمایه‌گذاری مناسب است.
	سیاست‌ها و برنامه‌ها و تداخل در	تداخل در برنامه‌ها و سیاست‌ها بین دو سازمان می‌تواند باعث ابهامات و مشکلات در اجرای برنامه‌های کارآفرینی شود.
	همکاری و کمبود ارتباط	کمبود هماهنگی و ارتباط بین دو سازمان ممکن است باعث کاهش کارآمدی برنامه‌های مشترک شود و توانایی شناسایی و هدایت استعدادها را کارآفرینانه را کاهش دهد.
	تفاوت در مقادیر	ممکن است برخی اعضای سازمان‌ها مقاومت در برابر تغییر داشته باشند و این می‌تواند پیاده‌سازی برنامه‌های کارآفرینی را مختل کند.

در جدول ۶، راهبردهای همسویی و مشارکت سازمانی به منظور شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش‌آموزان مشخص شده است بر این اساس «برگزاری کارگاه‌ها و آموزش‌های مشترک، تشکیل گروه‌های کاری مشترک، ارائه دوره‌های آموزشی و مشاوره، برگزاری مسابقات و چالش‌های کارآفرینی، توسعه منابع آموزشی مشترک، ارائه فرصت‌های کارآموزی و کارورزی، برنامه‌ریزی مشترک فعالیت‌های آموزشی، ارتقاء همکاری مداوم» ارائه شده است.

جدول شماره ۶. کد گذاری مربوط به راهبردها

کد گزینشی	کد محوری	کد باز
راهنماها	آموزش‌های مشترک کارگاه‌ها و برگزاری	برگزاری کارگاه‌ها و آموزش‌های مشترک بین دو سازمان در زمینه‌های مرتبط با کارآفرینی مانند ایده‌پردازی، مدیریت کسب‌وکار، بازاریابی و مهارت‌های ارتباطی.
	کاری مشترک گروه‌های تشکیل	تشکیل گروه‌های کاری مشترک بین اعضای دو سازمان با هدف ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان.
	مشاوره آموزشی و ارائه دوره‌های	ارائه دوره‌های آموزشی و مشاوره برای دانش‌آموزان و معلمان توسط اساتید و متخصصان هر دو سازمان در زمینه کارآفرینی و مهارت‌های مرتبط.
	چالش‌های مسابقات و برگزاری	برگزاری مسابقات و چالش‌های کارآفرینی میان دانش‌آموزان با هدف تشویق آن‌ها به ارائه ایده‌ها و پروژه‌های کارآفرینانه و تقویت مهارت‌هایشان.
	توسعه منابع آموزشی مشترک	توسعه و ارتقاء منابع آموزشی مشترک بین دو سازمان مانند کتاب‌ها، مقالات، ویدئوها و محتوای آموزشی متنوع در زمینه کارآفرینی.
	کارآموزی و کارآموزی فرصت‌های ارائه	فراهم کردن فرصت‌های کارآموزی و کارورزی برای دانش‌آموزان در شرکت‌ها و کسب‌وکارهای محلی به منظور تجربه عملی و آشنایی با محیط کارآفرینی.
	آموزشی فعالیت‌های مشترک برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی و هماهنگی مشترک بین دو سازمان برای ارائه فعالیت‌های آموزشی متنوع و توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان.
	همکاری مداوم ارتقاء	برقراری ارتباطات مداوم و همکاری بین اعضای دو سازمان برای توسعه و بهبود برنامه‌ها و فعالیت‌های مشترک در زمینه کارآفرینی.

بر اساس کد گذاری نهایی در نرم افزار MAXQDA2020 خروجی نهایی کد گذاری در شکل ۱ نشان داده شده است بر این اساس راهبرد ها، چالشها، نقاط قوت و نقاط قابل بهبود مشخص شدند. بعلاوه ابعاد مشارکت و همسویی سازمانی به منظور شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان نیز مشخص گردید.



شکل (۱) الگوی نهایی تحقیق. خروجی نرم افزار MAXQDA2020

در ادامه ترکیبی از نمودار ابری (خروجی نهایی نرم افزار MAXQDA2020) و الگوی پژوهش در شکل ۲ نشان داده شده است. بر این اساس در شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان، شناسایی استعدادها، تعیین نیازها و اهداف فردی، ارائه آموزش و راهنمایی، تجربه های عملی، ارائه بازخورد و ارزیابی مداوم، پایش و پیگیری و تشویق به شرکت در فعالیت های کارآفرینی مد نظر می باشد. در زمینه مشارکت و همسویی نهادی (سازمان آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه ای کشور)؛ تدوین برنامه های مشترک، تبادل اطلاعات و دانش، برگزاری کارگاه ها و آموزش های مشترک، هماهنگی در برنامه ریزی تعلیم و تربیت، توسعه شبکه همکاری، انجام پژوهش های مشترک، ارتباط با صنعت و بازار کار و ارزیابی و ارائه بازخورد؛ مد نظر قرار گرفته است. بعلاوه نقاط قوت همسویی و مشارکت سازمانی در راستای شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان مشتمل بر «منابع

انسانی متخصص، تجربه و تاریخچه همکاری، نیازمندی‌های مشترک، تعهد مدیریت بالا» مشخص گردید. نقاط قابل بهبود در مشارکت و همسویی بین سازمان فنی و حرفه ای کشور و سازمان آموزش و پرورش نیز مشتمل بر «کمبود ارتباط و هماهنگی، عدم تفهیم وظایف و مسئولیت‌ها، محدودیت‌های مالی و منابع، تشکیل گروه‌های کاری مشترک، توسعه منابع آموزشی مشترک، برنامه‌ریزی مشترک فعالیت‌های آموزشی» مشخص گردید. همچنین چالش‌های مشارکت و همسویی سازمانی به منظور شناسایی و هدایت کارآفرینانه دانش آموزان شامل «تفاوت در رویکرد و اهداف، محدودیت‌های مالی و منابع، تداخل در برنامه‌ها و سیاست‌ها، کمبود هماهنگی و ارتباط، مقاومت در برابر تغییر» مشخص گردید. در راستای هدف نهایی تحقیق یعنی ارائه راهبردهای شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان مبتنی بر مشارکت و همسویی نهادی محورهای چون «برگزاری کارگاه‌ها و آموزش‌های مشترک، تشکیل گروه‌های کاری مشترک، ارائه دوره‌های آموزشی و مشاوره، برگزاری مسابقات و چالش‌های کارآفرینی، توسعه منابع آموزشی مشترک، ارائه فرصت‌های کارآموزی و کارورزی، برنامه‌ریزی مشترک فعالیت‌های آموزشی، ارتقاء همکاری مداوم» ارائه شده است.

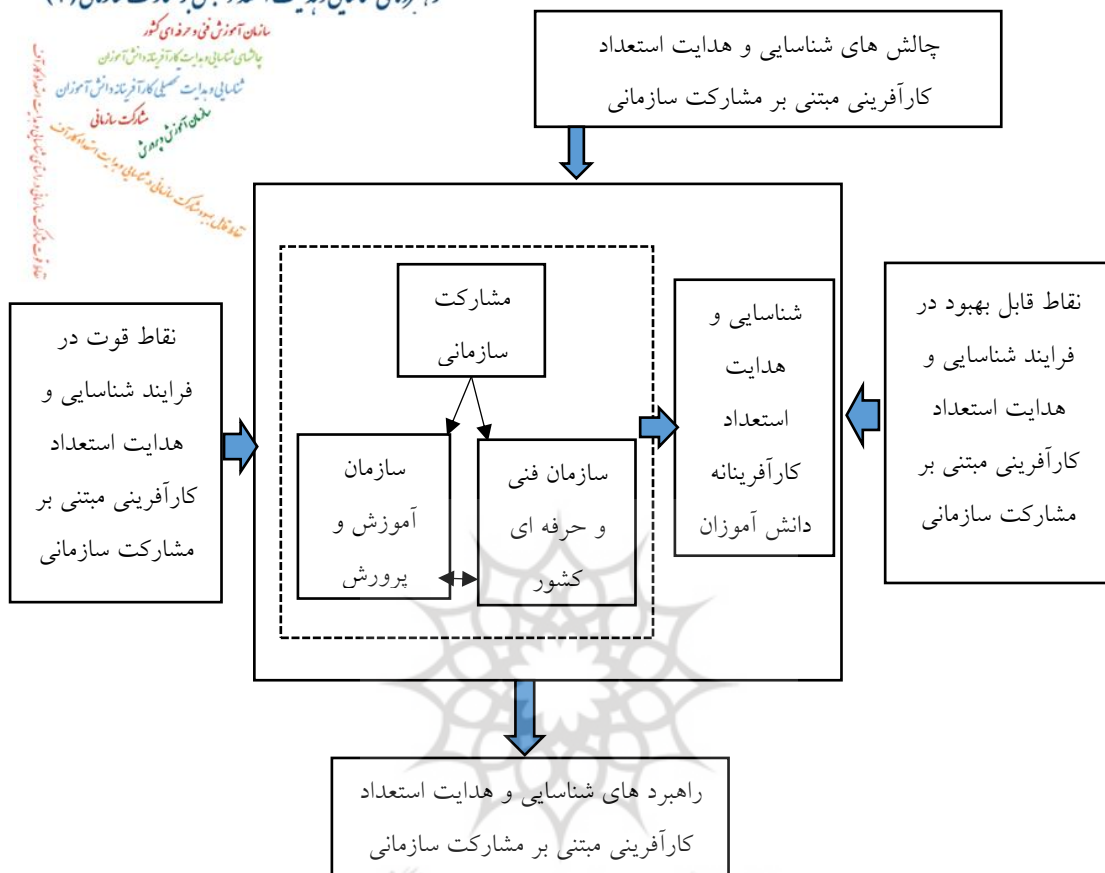
با توجه به اهمیت کارآفرینی و لزوم همسویی نهادی و مشارکت سازمانی به منظور بهره برداری از ظرفیت‌های موجود به نظر می‌رسد تعامل مناسب تر سازمان‌ها تاثیر گذار و ذینفع می‌تواند نتایج مناسبی برای توسعه کارآفرینی و اشتغال جوانان به همراه داشته باشد.

کارآفرینی یکی از ستونهای اساسی است که پیشرفت هر اقتصاد را در پی دارد. موفقیت هر کارآفرینی تأثیر زیادی در مهارت کارآفرینان دارد. مهارت کارآفرینی، مهارت فرد برای انجام کارآفرینی است که ممکن است یک موهبت ذاتی باشد یا اکتسابی، اما می‌توان با مدیریت صحیح استعداد در هر مرحله ای، تا حد زیادی این توانمندی را توسعه داد. (هاريسا و وينود^۱، ۲۰۲۰).

^۱. Haritha & Vinod

راهبردهای شناسایی و هدایت استعداد مبتنی بر مشارکت سازمانی (+)

مانند آموزش فنی و حرفه‌ای کشور
پایه‌های شناسایی و هدایت کارآفرینی دانش آموزان
شناسایی و هدایت تحصیلی کارآفرینان دانش آموزان
مشاوره تحصیلی
مدیریت آموزش و پرورش
تعاونات بین‌سازمانی و شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینان



شکل (۲) الگوی نهایی تحقیق. مبتنی بر نمودار ابری؛ خروجی نرم افزار MAXQDA2020

بحث و نتیجه‌گیری

دگرذیسی در آموزش و بطور خاص دگرذیسی فناورانه در عرصه آموزش و مهارت آموزی، همسو با تحولات دم افزا در جهان، لزوم توجه بیش از پیش به رویکرد های نوین مهارت آموزی را برجسته نموده است (حسینی نیا و بختیاری، ۱۴۰۲). در این مسیر مهارت‌ها، دانش‌ها، توانایی‌ها و تجربیات موثر است. یک کارآفرین باید از مهارت های مناسب و همچنین دانش لازم برای تأثیر پذیری از مهارت ها برخوردار باشد. نتایج تحقیقات نشان داده است که تمام ابعاد مدیریت استعداد در کارآفرینی در مقابل مهارت کارآفرینی و دانش کارآفرینی به طور قابل توجهی بر سازگاری و هوشیاری افراد تأثیر می گذارد (چارلز و اوناها، ۲۰۲۰) اکنون بیش از هر زمان شخصی سازی به طور گسترده در دسترس است و توهم کنترل و انتخاب بیشتر را ترویج می کند. رویکردهای جدید برای مدیریت استعداد، استراتژی های آموزشی مبتنی بر شواهد، و تحقیق در مورد انگیزه و توانمندی، ایده های تازه ای را ارائه می دهد و مدل های جدید مدیریت استعداد باعث می شود استعدادهای افراد بهتر توسعه یابد و از آنها حمایت شود (چیت ساز و بختیاری، ۱۴۰۲). بر اساس نتایج تحقیق حاضر؛ استفاده از داده‌ها و اطلاعات، می تواند برای بهبود برنامه‌ها و راهبردهای شناسایی و هدایت استعدادهای کارآفرینی مثر ثمر باشد. همسو با نتایج تحقیق حاضر؛ هرناندز سانچز^۲ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «تأثیر برنامه های آموزش کارآفرینی بر فعالیت کل کارآفرینی: مطالعه موردی اسپانیا» مطرح نمودند که؛ نیاز به ارزیابی برنامه های آموزش کارآفرینی^۳ برای دیدن تأثیر آنها در پیشرفت اقتصادی یک کشور وجود دارد. با استفاده موثر از داده‌ها و اطلاعات به دست آمده، کشورها می توانند بهبود مستمری در برنامه‌ها و راهبردهای شناسایی و هدایت استعدادهای کارآفرینی داشته باشند و عملکرد دانش‌آموزان را بهبود بخشند. داهالان^۴ و همکاران (۲۰۱۸) نیز در تحقیقی با عنوان «ذهنیت کارآفرینی در بین دانش آموزان موسسات آموزشی و آموزش فنی و حرفه ای (TVET)^۵ در مالزی» مطرح کردند که؛ دانش آموزانی که

^۱.Oga, Kelechi Charles and Prof. B. Chima Onouha.

^۲. Hernández-Sánchez

^۳. evaluate entrepreneurial education programs

^۴. Dahalan

^۵. Technical and Vocational Education and Training

مهارت های فنی و حرفه ای را فرا می گیرند سطح ذهنیت کارآفرینی مناسب تری نسبت به بقیه دانش آموزان دارند. بر این اساس وزارتخانه و کلیه ذینفعان زیربط می توانند استراتژی برنامه موسسات آموزشی را با تمرکز بر فاکتورهای اصلی رشد ذهنیت کارآفرینی ساده تر کنند تا بتواند از استعدادهای جدید کارآفرینی در بین دانش آموزان و مهارت آموزان استفاده نمایند.

هاتاکیجفونگ و تانگ (۲۰۱۹) نیز به اولویت داشتن مهارت کارآفرینی در بین دانش آموزان تاکید داشته اند. البته در این اولویت بندی در دو گروه، عوامل دیگری چون سوابق پاسخ دهندگان (جنسیت، تحصیلات، و سوابق خانوادگی) و تجربه (عملکرد تجاری و تجربه برنامه کارآفرینی) تاثیر گذار بوده است. جولین مارتینز (۲۰۱۸) نیز تحقیقی در اسپانیا انجام داده و عنوان کرده است؛ ارتباط مستقیمی بین توسعهی نهادهای آموزشی و توسعهی اقتصادی وجود دارد. نتایج بررسی ها نشان داده است که دسترسی نابرابر به امکانات آموزشی و توزیع نابرابر منابع منجر به شکل گیری منابع انسانی توانمند در مناطق خاص جغرافیایی گردیده است و حتی این جریان موجب تمرکز قدرت اقتصادی و سیاسی در دست قشر خاصی از افراد جامعه شده است. رابطهی دو سویه از این جریان حاکی از آن است که، دسترسی نابرابر و بدون برنامه ریزی به منابع، در بلند مدت بر رونق اقتصادی جوامع تاثیر منفی داشته و روند توسعهی اقتصادی را به تعویق می اندازد. از سوی دیگر، وجود موسسات آموزشی در مناطق مختلف با سطوح مختلف باعث توزیع نابرابر منابع در بین افراد جامعه شده است. همسویی و مشارکت آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه ای کشور با توجه به ظرفیت های موجود می تواند در برقراری عدالت آموزشی موثر واقع شود. گادرووهمکاران (۲۰۱۸) در تحقیقی با عنوان « توسعه مدیریت نوآوری و کارآفرینی در آموزش عالی قزاقستان» به نقش مشارکت دولت، صنعت و نظام آموزش اشاره کرده است و در این پژوهش مدل "مارپیچ سه گانه" دولت، تجارت و آموزش" بررسی نموده است. این پژوهش همسو با نتایج این تحقیق مشارکت و همسویی نهادی و سازمانی را در الویت قرار داده است. مایر و همکاران (۲۰۱۸) نیز به رویکردهای آموزش سفارشی به منظور تحقق خواسته های خاص منطقه ای از پروژه های مختلف تحقیق و یادگیری با همکاری بازیگران منطقه را مد نظر قرار داده است. یکی از ابعاد مهم در شناسایی و هدایت استعداد کارآفرینانه دانش آموزان توانمندسازی و آموزش مبتنی بر

استعداد، توانایی و قابلیت‌های فردی است و در این بین شخصی‌سازی آموزش‌ها متناسب با ویژگی‌های فردی اهمیت می‌یابد. در این راستا تحقیق حاضر به شناسایی و هدایت استعدادهای کارآفرینانه دانش‌آموزان پرداخته است و نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که نیاز به برنامه‌ریزی و اجرای استراتژی‌های مؤثر در این زمینه بیش از پیش احساس می‌شود. شناسایی استعدادها از طریق آزمون‌های روان‌شناختی و مصاحبه‌های فردی، به درک عمیق‌تری از علایق و توانمندی‌های دانش‌آموزان کمک می‌کند. این رویکرد نه‌تنها به شناسایی دقیق استعدادها می‌انجامد، بلکه زمینه‌ساز تعیین نیازها و اهداف فردی برای هر دانش‌آموز نیز خواهد بود. همچنین، برگزاری جلسات مشاوره و هدف‌گذاری با دانش‌آموزان به‌عنوان یکی از اولویت‌های اصلی، ضروری است. این جلسات می‌تواند شامل شناسایی نیازهای شخصیتی و مهارتی هر دانش‌آموز باشد که به آنها کمک می‌کند مسیر مناسب‌تری برای کارآفرینی انتخاب کنند. این امر می‌تواند به ایجاد انگیزه و هدایت صحیح دانش‌آموزان در مسیر کارآفرینی منجر شود. از دیگر جنبه‌های مهم، ارائه آموزش‌های عملی و کارگاه‌های مهارتی در زمینه‌های مختلف کارآفرینی است که شامل ایده‌پردازی، مدیریت زمان، بازاریابی و مهارت‌های ارتباطی است که لازم است در آموزش‌های رسمی گنجانده شود. استفاده از متخصصان و کارآفرینان موفق به‌عنوان مشاوران فردی، می‌تواند به‌طور قابل توجهی به ارتقاء سطح دانش و توانمندی‌های دانش‌آموزان کمک کند. فراهم کردن تجربه‌های عملی از طریق کارآموزی و کارورزی در کسب‌وکارهای محلی، به دانش‌آموزان امکان می‌دهد تا با محیط کارآفرینی آشنا شوند و ایده‌های خود را در عمل اجرا کنند. برگزاری پروژه‌ها و مسابقات کارآفرینی نیز به عنوان یک ابزار مؤثر برای تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به خلاقیت و نوآوری در نظر گرفته می‌شود. نکته مهم دیگر، نیاز به ارزیابی مداوم و ارائه بازخورد سازنده به دانش‌آموزان در طول فرآیند یادگیری است. این ارزیابی‌ها می‌توانند به شناسایی نقاط قوت و ضعف در عملکرد دانش‌آموزان کمک کنند و زمینه‌ساز بهبود مستمر فرآیندهای آموزشی باشند. همچنین، وجود نقاط قوت همچون منابع انسانی متخصص و تجربه‌های قبلی همکاری بین سازمان‌ها می‌تواند به ارتقاء همکاری‌های بین‌سازمانی و توسعه مهارت‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان کمک کند. اما چالش‌هایی نیز وجود دارد، از جمله کمبود ارتباط و هماهنگی، که می‌تواند به تداخل در

برنامه‌ها و اهداف منجر شود. عدم تفهیم دقیق وظایف و مسئولیت‌ها و محدودیت‌های مالی نیز از دیگر چالش‌های موجود هستند که نیازمند توجه و برنامه‌ریزی دقیق می‌باشند. در نهایت، با توجه به یافته‌های این تحقیق، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های شناسایی و هدایت استعدادها را آفرینانه با همکاری نزدیک بین وزارت آموزش و پرورش و سازمان فنی و حرفه‌ای طراحی و اجرا شوند. این رویکرد می‌تواند به بهبود کیفیت آموزش و توسعه پایدار اقتصادی کشور کمک شایانی نماید. در ادامه بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادهای کاربردی ارائه شده است:

➤ **کیفیت آموزش و محتوای برنامه‌های مهارت‌آموزی:** برای ارتقاء کیفیت آموزش و

کارآیی برنامه‌های مهارت‌آموزی، ضروری است که دست‌اندرکاران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به ارزیابی‌های دقیق و مستمر در مورد عملکرد و پیشرفت دانش‌آموزان توجه کنند. تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از ارزیابی‌های عملکرد می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی کمک کند.

➤ **شناسایی نقاط قوت و ضعف:** بر اساس تحلیل داده‌ها، نقاط قوت و ضعف

دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی شناسایی و الویت‌هایی برای بهبود نیازهای آموزشی آن‌ها مشخص شود. این شناسایی می‌تواند به تدوین برنامه‌های آموزشی مؤثرتر کمک کند.

➤ **طراحی برنامه‌های آموزشی شخصی‌سازی شده:** پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های

آموزش کارآفرینانه به‌صورت شخصی‌سازی شده برای هر گروه دانش‌آموزی طراحی گردد. این برنامه‌ها باید به بهبود مهارت‌های کارآفرینی آن‌ها کمک کند و بر اساس نیازها و علاقه‌مندی‌های دانش‌آموزان تنظیم شود.

➤ **تهیه استراتژی‌های آموزشی متناسب:** با توجه به داده‌های به‌دست‌آمده،

استراتژی‌های آموزشی متناسب با نیازهای خاص دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی تهیه شود. این استراتژی‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که قابلیت انعطاف‌پذیری و پاسخگویی به تغییرات محیطی و نیازهای بازار کار را داشته باشند.

- **پایش و ارزیابی مستمر:** ارتقاء برنامه‌ها و راهبردها باید بر اساس پایش و ارزیابی مستمر مد نظر قرار گیرد. فرآیند پایش و ارزیابی مداوم به منظور مانیتورینگ پیشرفت دانش‌آموزان در زمینه کارآفرینی اجرا شود تا نتایج آن به بهبود کیفیت برنامه‌های آموزشی کمک کند.
- **توسعه برنامه‌های آموزشی بر اساس نیازهای بازار:** همکاری نزدیک با صنایع و بازار کار برای طراحی برنامه‌های آموزشی که نیازهای واقعی بازار را تأمین کند، می‌تواند به ارتقاء مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان کمک کند.



منابع

۱. احمدپور داریانی، محمود و عزیزی، محمد (۱۳۹۴). کارآفرینی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، چاپ و نشر کتاب های درسی ایران.
۲. بختیاری مرضیه، خدابخش رقیه. (۱۴۰۲). بررسی ساختار ژانری؛ بازی وارسازی آموزش و مهارت آموزی مبتنی بر بازی، برای آموزش های فنی و حرفه ای. مهارت آموزی. ۱۲ (۴۵): ۵۵-۸۴
۳. حسینی نیا غلامحسین، بختیاری مرضیه. (۱۴۰۲). ارائه الگوی راهبردی جامع آموزش های فنی و حرفه ای یک پژوهش چند روشی. مهارت آموزی. ۱۱ (۴۳): ۲۸-۷.
۴. چیت ساز احسان، بختیاری مرضیه. (۱۴۰۲). ترسیم چشم انداز مدیریت کسب و کارهای برافکن، مبتنی بر مهارت مربیگری مغز و تفکر طراحی. مهارت آموزی. ۱۱ (۴۳): ۱۸۸-۱۵۷.
۵. قلی پور، آرین، افتخار، نیره (۱۳۹۵). ارائه مدل مدیریت استعداد به روش نظریه مبنایی (مورد مطالعه: اپراتور تلفن همراه). پژوهش های مدیریت عمومی، سال نهم، شماره ۳۴.
۶. کمالو حسن، ابراهیمی سرو علیا محمد حسن، داوری علی، عزیزی محمد. (۱۴۰۱). شناسایی و کاربست مهارت های کارآفرینانه در توسعه صنعت ساختمان مبتنی بر اقتصاد اشتراکی. مهارت آموزی. ۱۱ (۴۲): ۱۵۰-۱۳۱.
۷. مصطفوی، اسماعیل. کیانی، حمیدرضا. ۱۳۹۴. ارزیابی تطبیقی کشورهای اسلامی پیشرو در تولید علم: مطالعه ایران، ترکیه، مصر و پاکستان در پایگاه اطلاعات علمی ESI. پژوهشنامه علم سنجی. دوره ۱. شماره ۱.
۸. مجدفر، مرتضی، اصلانی، ابراهیم و سلیقه دار، لیلا (۱۳۹۴). دست نامه شهاب. تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، چاپ خجسته.
9. Baporikar, N., & Akino, S. (2020). Financial literacy imperative for success of women entrepreneurship. International Journal of Innovation in the Digital Economy (IJIDE), 11(3), 1-21
10. Dahalan Dzu hailmi., Lawrence Jeffrey., Ismail Ismi Arif ., Mohamed Nor Aini.(2018) Entrepreneurial Mindset Among Students of Technical

- and Vocational Education and Training (TVET) Institutions in Malaysia.
11. Doua Xinhua., Zhua Xiajing., Zhangb Jason Q., Wanga Jie(2019) Outcomes of entrepreneurship education in China: A customer experience management perspective
 12. Durán-Sánchez A., Del Río-Rama M.C., Álvarez-García J., García-Vélez D.F.(2019) Mapping of scientific coverage on education for Entrepreneurship in Higher Education, Journal of Enterprising Communities
 13. Haritha S M, Dr.Vinod A.S(2020) Investigating the Impact of Talent Management on Entrepreneurial Skill Development, Our Heritage, Vol. 68 No. 30 (2020): Vol-68-Issue-30-February-2020
 14. Hatthakijphong P., Ting H.-I.(2019) Prioritizing successful entrepreneurial skills: An emphasis on the perspectives of entrepreneurs versus aspiring entrepreneurs
 15. Heller, K. A., & Hany, E. (2004). Identification of gifted and talented students. *Psychology Science*, 46(3), 302-323.
 16. Julio Martinez-Galarrag , Francisco J. Beltr(2018) Inequality and Education in Pre-Industrial Economies: Evidence From Spain, Explorations in Economic History (2017),doi: 10.1016/j.eeh.2017.12.003
 17. Jena, D. S. (2024). Future of vocational education in India: Nurturing entrepreneurial talents and bridging employability gaps
 18. Kuderov N., Sarsenbiyeva N., Smanov I., Myrzakhmetova B., Zhakesheva A., Isatayeva G.(2018)Development of innovation management and entrepreneurship in higher education Kazakhstan
 19. Meyer J., Pillei M., Zimmermann F., Stöglehner G(2018) Customized education as a framework for strengthening collaboration between higher education institutions and regional actors in sustainable development-Lessons from Albania and Kosovo, Sustainability (Switzerland)
 20. Mok, K. H., Lang, S., & Xiao, H. (2020). The quest for global talent for changing economic needs: A study of student mobility and job prospects for returnees in China. *Globalisation, societies and education*, 18(1), 79-96.

21. Oga, K. C., & Onouha, B. C. (2020). Entrepreneurial talent management and organizational agility of construction firms in Rivers State, Nigeria. *International Journal of Management Sciences*, 7(4), 61-77
22. Oga, Kelechi Charles and Prof. B. Chima Onouha(2020) Entrepreneurial Talent Management and Organizational Agility of Construction Firms in Rivers State, Nigeria, Academic Scholars Publishing League (ASPL)International Journal of Management Sciences.

